



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۲ آبان ۱۳۹۷

مصادف با: ۵ ربیع الاول ۱۴۴۰

جلسه: ۱۹

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط چهارم؛ مباح بودن آب وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در شرط چهارم از شرائط وضو بود. عرض شد که این شرط، چهار صورت دارد:

اول، اینکه آب وضو باید مباح باشد.

دوم، اینکه ظرف وضو باید مباح باشد.

سوم، اینکه مکانی که شخص در آنجا وضو می گیرد، باید مباح باشد.

چهارم، اینکه محلی که آب وضو در آن می ریزد، باید مباح باشد.

صورت اول و دوم در جلسه گذشته بررسی شد.

اما در رابطه با صورت سوم و چهارم [یعنی مباح بودن مکان وضو و مباح بودن محلی که آب وضو در آن می ریزد،] عرض می شود که آنچه درباره مغضوب بودن ظرف وضو گفته شد، غصبی بودن مکان وضو یا جایی که آب وضو در آن می ریزد را نیز شامل می شود، یعنی در این دو صورت [صورت سوم و چهارم] نیز به صحت وضو حکم می شود چون وضو عبارت از غسلتین و مسحتین است و غسلتین و مسحتین غصبی نیستند، بلکه مکانی که شخص در آن وضو می گیرد یا جایی که آب وضو در آن می ریزد، غصبی است، ولی آبی که شخص با آن وضو می گیرد، مباح است و تصرف در مال غیر نیست لذا وضوی شخص صحیح است، ولی نسبت به تصرف در مکان، چون غصبی است، باید جریمه پردازد و رضایت صاحبش را جلب کند.

به تعبیر دیگر، غسلی که مأمور به است، عبارت از مرور و گذشتن آب بر اعضای وضوست و مرور آب بر اعضای وضو حرام نیست؛ بلکه نسبت به مقدمه آن که مکانی است که شخص در آن وضو می گیرد، چون آن مکان غصبی است، تصرف در آن حرام است، لکن حرمت مکان به وضوی با آب مباح سرایت نمی کند. همچنین، در محل ریختن آب وضو که مصب الماء است ولو ممکن است که غصبی باشد اما در عین حال، وضو، در صورتی که عبارت از مرور آب بر اعضا باشد، حرام نیست.

بنابراین، نظر مختار این است که در فرضی که ظرف غصبی باشد، وضو صحیح است و اگر مکان غصبی باشد نیز لطمه ای به صحت وضو وارد نمی شود و وضو صحیح است و همچنین، اگر محل ریختن آب وضو غصبی باشد، لطمه ای به صحت وضو وارد نمی کند و وضو صحیح است و فقط در فرضی که خود آب وضو غصبی باشد، به صحت وضو لطمه وارد می کند و وضو باطل است و شخص باید دوباره وضو بگیرد.

مسألة ۵۴۳: «لا فرق فی عدم صحّة الوضوء بالماء المضاف أو النجس أو مع الحائل، بین صورة العلم و العمد و الجهل أو النسیان و أمّا فی الغصب فالبطالان مختصّ بصورة العلم و العمد، سواء کان فی الماء أو المكان أو المصبّ، فمع الجهل بكونها مغصوبة أو النسیان

لا بطلان، بل و کذا مع الجهل بالحکم أيضاً إذا كان قاصراً، بل و مقصراً أيضاً إذا حصل منه قصد القرية و إن كان الأحوط مع الجهل بالحکم خصوصاً فی المقصر إعادة»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، در عدم صحت وضو با آب مضاف یا آب نجس یا وضوی بر حائل، بین صورت علم و عمد و جهل و نسیان فرقی نیست [زیرا مطلق بودن، پاک بودن و عدم حائل از شروط واقعی می باشند و شرط علمی و ذکر نیستند]، اما در غضب، بطلان وضو مختص به صورت علم و عمد است [زیرا مباح بودن آب وضو، شرط واقعی نیست، بلکه شرط علمی و ذکر است]، اعم از آنکه غضب در آب باشد یا غضب در مکان باشد یا غضب در محل ریختن آب وضو باشد. پس با جهل شخص به مغضوب بودن موارد مذکور یا نسیان مغضوب بودن موارد مذکور، از طرف وی، وضو باطل نیست، بلکه در صورت جهل او به حکم، اگر وی جاهل قاصر باشد، بلکه اگر وی جاهل مقصر باشد نیز، در صورتی که قصد قربت از او متمشی شود، وضویش باطل نیست؛ هر چند که احتیاط [مستحب] این است که با جهل به حکم، خصوصاً در رابطه با جاهل مقصر، وضو اعاده شود.

مرحوم سید (ره) در مسأله مذکور، شرطیت اطلاق و پاک بودن آب وضو و عدم وجود حائل را مطرح کرده است و بین علم و عمد و جهل و نسیان فرقی قائل نشده است، ولی شرطیت مباح بودن آب وضو را به فرض علم و عمد منحصر دانسته است و معتقد است که در صورتی که شخص نسبت به موضوع یا حکم جاهل باشد یا حالت نسیان برایش پیش آمده باشد، وضویی که با آب غضبی یا در مکان غضبی گرفته است، صحیح است و همچنین، اگر آب وضویش در محل غضبی ریخته باشد، وضویش صحیح است.

از کلام مرحوم سید (ره) استفاده می شود که ایشان شرطیت اطلاق، پاک بودن آب وضو و عدم وجود حائل را شرطیت واقعی دانسته، ولی شرطیت اباحه آب وضو را شرطیت علمی و ذکر دانسته است.

در این مسأله، مرحوم سید (ره) بین صورت جهل به موضوع و صورت جهل به حکم فرق قائل نشده است و وضوی با آب غضبی در هر دو صورت را صحیح دانسته است و همچنین، معتقد بوده است که بین جهل قصوری [جهلی که شخص امکان دسترسی به شناخت موضوع و حکم را ندارد] و جهل تقصیری [جهلی که شخص امکان دسترسی به شناخت موضوع و حکم را دارد] فرقی نیست.

حکم به بطلان وضو در صورت مضاف بودن و نجس بودن آب وضو و همچنین، در صورت وجود حائل در اعضاء وضو، دو وجه دارد و این دو وجه باعث می شوند که شروط مذکور [پاک بودن و مطلق بودن آب وضو و عدم وجود حائل]، از شروط واقعی باشند:

وجه اول، این است که دلیل دال بر وضو گرفتن با آب، از نظر اقتضاء قصور دارد و موردی که آب وضو مضاف باشد یا نجس باشد یا حائلی وجود داشته باشد را شامل نمی شود، یعنی دلیلی که بر وضو گرفتن با آب دلالت دارد، وضو گرفتن با آب مضاف و نجس را شامل نمی شود و همچنین، این دلیل، وضو بر حائل را شامل نمی شود. پس وجه اول، قصور در اقتضای دلیل است.

وجه دوم، این است که گفته شود که دلیل دال بر وضو گرفتن با آب، اطلاق دارد، لکن مقیداتی در روایات وجود دارد که آن مقیدات، اطلاق دلیل را قید می زند، یعنی آبی که باید با آن وضو گرفته شود، به آب مطلق و طاهر و عدم وجود حائل، قید می خورد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۲۲.

پس روایاتی که بر عدم صحت وضو با آب مضاف و آب نجس و همچنین، عدم صحت وضو بر حائل دلالت دارند، اطلاق دلیل دال بر وضو گرفتن با آب را قید می‌زنند. بنابراین، هر یک از دو دلیل مطلق و مقید، متکفل بیان حکم واقعی می‌باشند، یعنی زمانی که شارع مقدس یک دلیل مطلق را بیان می‌کند و بعد آن اطلاق را قید می‌زند، گفته می‌شود که شارع در مقام بیان حکم واقعی است. بنابراین، از اینکه شارع نخست لفظ را به صورت مطلق بیان کرده است و بعد آن را قید زده است، معلوم می‌شود که نظر واقعی شارع این است که در صورت علم، عمد، جهل و نسیان، آب باید مطلق باشد، پاک باشد و حائلی از رسیدن آب به اعضای وضو نباشد، یعنی از جمع بین اطلاق و قید، حکم واقعی شارع به دست می‌آید و گفته می‌شود که شروط مذکور، از شروط واقعی صحت وضویند.

نظیر مطلب مذکور که شرط از شروط واقعی است، موردی است که مولا می‌فرماید: «أكرم العالم» و در مورد دیگر به عنوان مخصّص عام مذکور، می‌فرماید: «لا تكرم الفاسق» که از کنار هم گذاشتن این عام و مخصّص یا این مطلق و مقید، فهمیده می‌شود که عدالت عالم از شروط واقعی است و شرط علمی و ذکر نیست.

«الحمد لله رب العالمين»